

# Evaluating the International Criminal Court Prosecutor's Discretion in the Marmara Ship Situation and its Achievements in Judicial Procedure

(Article Type: Original Research)

Javad Salehi<sup>\*1</sup>

## Abstract

The Marmara ship situation, the subject of an attack by the Israel military on the ICC, referred to by the flag state has been rejected and archived by the ICC Prosecutor. This action of the prosecutor is in the light of the requirements set forth in Article 53 of the Statute, which must identify the rationale for the situation referred. If the prosecutor finds a reasonable basis, he/she will start an investigation, otherwise will file it. From this point of view, it is important to study the dimensions of the prosecutor's approach in the judicial procedure regarding the condition of the Marmara ship. The research method in this paper is descriptive-analytical and critical. The main question of the research is what is the achievement of the judicial procedure based on the legal mechanism in forcing the prosecutor to reconsider the status of the Marmara ship referred by the flag state against the Israel regime? The findings show that the prosecutor's response to the situation referred by the flag state believes that there is no criterion for the severity of the crime, while the Comoros state believes that the Israeli military's attacks on the flag ship and its crew are enough severity that to be prosecuted in the ICC. Accordingly, the ICC's judges found that the prosecutor's assessment of the lack of a reasonable basis was inconsistent with the circumstances of the situation. The prosecutor was asked to reconsider his previous decision. However, the judicial procedure has shown that the prosecutor obligation lacks a guarantee of performance and achievement and does not mean that a preliminary investigation into the criminal situation has been started. This implies the ineffectiveness of Article 53(3)(a) of the Statute and the referring State right to object for the prosecution of international crimes in the ICC.

**Keywords:** Referral of Criminal Situation, the ICC's Member State, Prosecutor, Marmara Ship, Reasonable Basis.

---

1. Associate Professor Department of International Law, Payame Noor University, Tehran, Iran; Corresponding Author:javadsalehi2010@gmail.com



## ارزیابی تشخیص دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در وضعیت کشتی مرمره و دستاوردهای آن در رویه قضایی

(نوع مقاله: علمی پژوهشی)

جواد صالحی\*<sup>۱</sup>

### چکیده

وضعیت کشتی مرمره موضوع حمله نیروی نظامی رژیم صهیونیستی پیش‌روی دیوان کیفری بین‌المللی، ارجاع‌شده از سوی دولت صاحب پرچم آن از سوی دادستان دیوان کیفری بین‌المللی رد و بایگانی شده است. این اقدام دادستان در پرتو الزامات مقرر در ماده ۵۳ اساسنامه می‌باشد که باید به شناسایی مبنای منطقی در وضعیت ارجاع‌شده بپردازد. اگر دادستان مبنای منطقی را احراز کند، سپس تحقیقات کیفری را شروع می‌نماید، وگرنه وضعیت ارجاع‌شده را بایگانی می‌کند. از این حیث بررسی ابعاد رویکرد دادستان در رویه قضایی نسبت به وضعیت کشتی مرمره حائز اهمیت و نوآوری است. روش تحقیق در این نوشتار از نوع توصیفی-تحلیلی و انتقادی است. سوال اصلی پژوهش این است که دستاورد رویه قضایی بر اساس سازوکار قانونی در اجبار دادستان به بازنگری در احراز مبنای منطقی در وضعیت کشتی مرمره ارجاع‌شده از سوی دولت صاحب پرچم آن علیه رژیم صهیونیستی چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دادستان در قبال وضعیت ارجاع‌شده از سوی دولت صاحب پرچم معتقد به فقدان معیار شدت جرم است، در حالی که دولت کومور معتقد است که حملات نیروی نظامی صهیونیست به کشتی حامل پرچم و خدمه آن از شدت لازم برای تعقیب در دیوان کیفری بین‌المللی برخوردار است. بر این اساس نیز قضات دیوان کیفری بین‌المللی دریافتند که تشخیص دادستان در ارتباط با فقدان مبنای منطقی با شرایط وضعیت مجرمانه هماهنگ نیست. بنابراین از دادستان خواسته شد که در تصمیم سابق خود بر عدم احراز مبنای منطقی بازنگری کند. اما رویه قضایی نشان داد که این الزام دادستان فاقد ضمانت‌اجراء و دستاورد است و به معنای شروع تحقیقات مقدماتی در وضعیت مجرمانه نیست. این مساله به معنای ناکارآمد بودن ماده (a)(۳) ۵۳ اساسنامه و حق اعتراض دولت ارجاع‌دهنده وضعیت مجرمانه برای تعقیب جرایم بین‌المللی در دیوان کیفری بین‌المللی است.

**واژگان کلیدی:** ارجاع وضعیت مجرمانه، دولت عضو دیوان کیفری بین‌المللی،

دادستان، کشتی مرمره، مبنای منطقی.

۱. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول

## درآمد

اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی (زین‌پس؛ دیوان کیفری) محدود به سه طریق است که در ماده ۱۳ اساسنامه رُم (زین‌پس؛ اساسنامه) برشمرده شده است. بر این اساس، ارجاع وضعیت مجرمانه از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد (زین‌پس؛ شورای امنیت)<sup>۱</sup> یا دولت عضو دیوان کیفری بین‌المللی<sup>۲</sup> یا شروع تحقیقات راساً به تشخیص دادستان<sup>۳</sup> از شیوه‌های اعمال صلاحیت دیوان کیفری می‌باشند. این سه شیوه اعمال صلاحیت دیوان کیفری بر یکدیگر اولویت ندارند و از حیث رتبه یکسان هستند. اما سازوکارهای دادستان برای اقدام از هر شیوه متفاوت و تابع تشریفات خاص است. اگر دادستان با وضعیت مجرمانه در صلاحیت موضوعی دیوان کیفری حسب اطلاعات و دلایل موید آن مواجه شود که تعقیب آن در دیوان کیفری ضرورت دارد، ابتدا لازم است که ارزیابی‌های مقدماتی را انجام دهد و سپس با دلایل کافی برای اخذ مجوز شروع تحقیقات کیفری از شعبه مقدماتی بر اساس ماده (۳) ۱۵ اساسنامه اقدام کند. در این شرایط کسب مجوز تحقیقات مقدماتی لازم است، چون وضعیت مجرمانه از سوی شورای امنیت و دولت عضو دیوان کیفری به دادستان ارجاع نشده است و راساً به تشخیص او می‌باشد. اعمال صلاحیت دیوان کیفری در این شرایط متکی به تشخیص دادستان و فاقد پشتوانه ارجاع از سوی دیگری است، لذا کسب مجوز تحقیقات مقدماتی ضرورت دارد. کسب مجوز تحقیقات مقدماتی در این شرایط نیز به اعتقاد برخی منوط به احراز مولفه‌های مبنای منطقی وضعیت مجرمانه است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۵، ۱۸). اما استاندارد «مبنای منطقی» برای اقناع شعبه مقدماتی در صدور مجوز شروع تحقیقات کیفری از سوی دادستان متکی به ماده (۱) ۵۳ اساسنامه است.

این دو ماده در ارتباط با مساله مبنای منطقی دارای وجه اشتراک از نوع ارجاع یکی به دیگری هستند، ولی کارکردهای متفاوت دارند. تفاوت در این است که ماده (۳) ۱۵ اساسنامه برای مواردی است که دادستان راساً قصد به جریان انداختن یک وضعیت مجرمانه در دیوان کیفری را دارد، در حالی که ماده (۱) ۵۳ اساسنامه شامل

۱. ر.ک. ماده (b) ۱۳ اساسنامه.

۲. ر.ک. ماده (a) ۱۳ اساسنامه.

۳. ر.ک. ماده (c) ۱۳ اساسنامه.

ارجاع وضعیت مجرمانه از سوی شورای شورای امنیت یا دولت عضو دیوان کیفری به دادستان است. ماده (۱) ۵۳ اساسنامه در ارتباط با ارجاع یک وضعیت مجرمانه از سوی شورای امنیت یا دولت عضو دیوان کیفری دارای ضمانت‌اجراء است. اگر یک وضعیت مجرمانه را شورای امنیت یا دولت عضو دیوان کیفری به دادستان ارجاع دهد، دادستان باید مبنای منطقی آن را احراز کند تا از اقدامات بعدی او شامل؛ صدور حکم جلب، احضار متهم یا تایید اتهامات در مراحل دادرسی از سوی شعبه مقدماتی ممانعت به عمل نیاید. با وجود این، در شرایط ماده (۱) ۵۳ اساسنامه این احتمال وجود دارد که دادستان مبنای منطقی برای اقدام بیشتر در وضعیت ارجاع شده از سوی شورای امنیت یا دولت عضو دیوان کیفری را احراز نکند. این وضعیت برخلاف نظارت بر تشخیص دادستان در دیوان کیفری با خودداری از صدور مجوز تحقیقات مقدماتی بر اساس ماده (۳) ۱۵ اساسنامه است. ضرورت کسب مجوز برای شروع تحقیقات در یک وضعیت مجرمانه به تشخیص دادستان تحت نظارت دیوان کیفری است. شروع تحقیقات با تشخیص اشتباه دادستان در یک وضعیت مجرمانه با سازوکار صدور مجوز بر اساس ماده ۱۵ اساسنامه جلوگیری می‌شود. دادستان برای تعقیب موضوع، تشخیص اشتباه داده است که مبنای منطقی وجود دارد، اما شعبه مقدماتی آن را احراز نمی‌کند. لذا شعبه مقدماتی با خودداری از صدور مجوز تحقیقات مقدماتی مانع از تشخیص نامناسب دادستان در تعقیب جرم بین‌المللی در دیوان کیفری می‌شود. پرواضح است که این وضعیت در ارتباط با اعمال صلاحیت دیوان کیفری از طریق ارجاع شورای امنیت یا دولت عضو موضوعیت ندارد.

وضعیت‌های متفاوتی از سوی شورای امنیت یا دولت‌های عضو دیوان کیفری به دادستان ارجاع شده‌اند که تاکنون هیچ‌یک با عدم احراز مبنای منطقی مواجه نشده‌اند که مورد اعتراض شورای امنیت یا دولت عضو ارجاع‌دهنده قرار گیرند. اما برای اولین بار وضعیت جرایم ارتكابی نسبت به خدمه و مسافران کشتی ماوی مرمه<sup>۱</sup> (زین‌پس، مرمه) ارجاع‌شده از سوی دولت صاحب پرچم آن از موقعیت‌هایی است که در سال ۲۰۲۰ مشخص کرده است که مساله اختیارات دادستان در عدم تشخیص مبنای منطقی واجد چه خلاءهایی در اساسنامه و چه ضمانت‌اجراءها و دستاوردهایی در رویه

1. Mavi Marmara.

قضایی دیوان کیفری است. این در حالی است که تا پیش از این راجع به نظارت بر عملکرد دادستان در عدم احراز مبنای منطقی در وضعیت مجرمانه ارجاع شده به او از سوی دولت عضو برای تحقیقات و تعقیب عوامل جرم آن هیچ زمینه‌ای فراهم نشده است. به طریق اولی نوشتاری در ادبیات حقوق ایران به زبان فارسی از این زاویه وجود ندارد. این شرایط با در نظر گرفتن حاشیه صلاحدید دادستان نسبت به وضعیت‌های مجرمانه دارای ابعاد سیاسی بین‌المللی دوچندان موجب نگرانی جامعه بین‌الملل در تعقیب جرایم ارجاع داده شده به دادستان از سوی دولت عضو دیوان کیفری است، مخصوصاً در جایی که متهم آن از قدرت‌های بین‌المللی یا تحت حمایت آنها باشد. بررسی ابعاد مختلف این وضعیت با توجه به رویه قضایی دیوان کیفری در وضعیت کشتی مرمه از موضوعات جدید و دارای اهمیت مطالعاتی است. این پرونده از چند جهت واجد اهمیت است. اول اینکه دادستان پرونده ارجاع شده از سوی دولت عضو را به جریان نمی‌اندازد و تحقیقات مقدماتی در آن را شروع نمی‌کند. دوم اینکه در این پرونده از شعبه مقدماتی خواسته می‌شوند تا بر تشخیص دادستان نظارت قضایی داشته باشد. سوم اینکه شعبه مقدماتی در قامت مخالفت با تشخیص دادستان برای خودداری وی از تحقیقات مقدماتی برمی‌آید. لذا بررسی نظارت بر عدم احراز مبنای منطقی از سوی دادستان در رویه قضایی دیوان کیفری با مطالعه موردی وضعیت جنایات نیروی نظامی رژیم صهیونیستی نسبت به خدمه و مسافران کشتی مرمه ارجاع شده از سوی دولت کومور<sup>۱</sup> در این نوشتار مدنظر است تا به یک سوال مهم پاسخ داده شود. سوال اصلی پژوهش این است که دستاورد رویه قضایی بر اساس سازوکار قانونی در اجبار دادستان به بازنگری در احراز مبنای منطقی در وضعیت کشتی مرمه ارجاع شده از سوی دولت صاحب پرچم آن علیه رژیم صهیونیستی چیست؟ برای پاسخ به این سوال لازم است که ابتدا جرایم جنگی در وضعیت کشتی مرمه و ارجاع وضعیت آن از سوی دولت صاحب پرچم، در ادامه رویکرد دادستان در ارزیابی وضعیت مجرمانه و اعتراض دولت صاحب پرچم به آن و سپس رویکرد شعبه مقدماتی به اعتراض دولت کومور نسبت به عدم احراز مبنای منطقی برداریم تا دستاوردهای تطبیقی حاصل از کارکرد اساسنامه در رویه قضایی با اتکاء به وضعیت کشتی مرمه به علاقه‌مندان حقوق بین‌الملل کیفری ارائه شود.

1. Comoros.

## ۱. جرایم جنگی در وضعیت کشتی مرمه و ارجاع وضعیت آن از سوی دولت صاحب پرچم

نیروی نظامی رژیم صهیونیستی در دریای مدیترانه به ناوگان حامل کمک‌های بشردوستانه<sup>۱</sup> برای نوار غزه<sup>۲</sup> در تاریخ ۳۱ می ۲۰۱۰ حمله می‌کند. حمله نیروی نظامی به کشتی مرمه حامل پرچم دولت کومور و خدمه و مسافری آن با محاصره غزه از سوی رژیم صهیونیستی مرتبط است (McLaughlin and Stephens, 2014, 114). دولت کومور از تاریخ ۱۸ آگوست ۲۰۰۶ از اعضای اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است. زمینه برای آن دولت فراهم است که بر اساس مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اساسنامه تحقیق و تعقیب جنایات نسبت به خدمه و مسافران کشتی مرمه را از دادستان تقاضا کند. دادستان نیز بر اساس ماده ۵۳ اساسنامه مکلف به شروع تحقیقات رسمی در ارتباط با وضعیت مجرمانه است که اولاً؛ از حیث زمانی<sup>۳</sup>، سرزمینی<sup>۴</sup> و موضوعی<sup>۵</sup> در صلاحیت دیوان کیفری قرار گیرد، ثانیاً؛ وضعیت پیش‌روی دیوان کیفری از حیث رعایت اصل صلاحیت تکمیلی<sup>۶</sup> دیوان کیفری قابل پذیرش باشد<sup>۷</sup> و ثالثاً؛ تحقیقات کیفری در آن برخلاف منافع عدالت نباشد<sup>۸</sup>. این شرایط قبل از شروع تحقیقات کیفری در یک وضعیت ارجاع داده شده به دادستان مدنظر است. وضعیت مجرمانه در این مفهوم به‌مثابه بستری است که در آن یک یا چند پرونده خاص وجود دارد. شخص و رفتار موضوع پرونده است که در نهان یک وضعیت مجرمانه قرار گرفته است. از این حیث متهم به ارتکاب یک رفتار مجرمانه مشخص و معین موضوع یک پرونده است (ذاکر حسین، ۱۳۹۹، ۸-۱۶۷). اما دادستان قبل از پرداختن به پرونده شامل رفتار و اشخاص با وضعیت مجرمانه سروکار دارد تا از آن یک یا چند پرونده با متهم یا متهمان مشخص را استخراج کند. در

1. Humanitarian Aid Flotilla.

2. Gaza Strip.

۳. ر.ک. ماده ۱۱ اساسنامه.

۴. ر.ک. ماده ۱۲ اساسنامه.

۵. ر.ک. ماده ۵ اساسنامه.

۶. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک. صالحی، ۱۳۹۷، ۴-۶۶۳.

۷. ر.ک. ماده ۱۷ اساسنامه.

۸. ر.ک. ماده (C)(۱) ۵۳ اساسنامه.

صورتی که پیش‌شرط‌های ماده ۵۳ اساسنامه وجود داشته باشند و از سوی دادستان احراز شوند، دادستان ناگزیر از تحقیقات کیفری در وضعیت مجرمانه و تعقیب عوامل آن است، در غیر این صورت او تقاضای دولت ارجاع‌دهنده وضعیت مجرمانه را مختومه و بایگانی می‌کند.

بر این اساس، دولت کومور در تاریخ ۱۴ می ۲۰۱۳ وضعیت جرایم نیروی نظامی صهیونیستی را علیه کشتی حامل پرچم و خدمه و مسافران آن به دادستان ارجاع می‌دهد (ICC, 2013a, 1). این ارجاع وضعیت به اتکاء وقوع جرم در کشتی مرمه و تلقی آن به‌عنوان بخشی از قلمرو سرزمینی دولت صاحب پرچم آن بر اساس مقررات ماده (a)(۲) ۱۲ اساسنامه است. رژیم صهیونیستی از اعضای اساسنامه نیست، لیکن دولت کومور از اعضای دیوان کیفری است. جرم در کشتی مرمه صورت گرفته است که بر اساس قوانین آن ثبت شده است و حامل پرچم آن می‌باشد. لذا رسیدگی به آن جرم در صلاحیت دولت صاحب پرچم است. حمله نیروی نظامی رژیم صهیونیستی به کشتی مرمه در آب‌های بین‌المللی صورت گرفته است (United Nations Security Council, 2010, 1). فاصله کشتی در زمان حمله از ساحل حدود ۷۰ تا ۹۰ مایل دریایی بوده است (Kessler, 2010, 1) که موضوع مقررات کنوانسیون حقوق دریاهای است. مناطق دریایی متعددی در کنوانسیون حقوق دریاهای با حدود صلاحیت‌های مختلف برای دولت‌ها پیش‌بینی شده است. دریاهای آزاد بزرگترین منطقه از پهنه دریاهای منتهای مناطق آب‌های داخلی، دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی است.<sup>۱</sup> تمام دولت‌ها در دریاهای آزاد واجد حقوق و آزادی‌هایی هستند که مشابه آن در سه منطقه دریایی دیگر مفقود است. به بیان دیگر دولت ساحلی حسب مورد در سه منطقه دریایی غیر از دریاهای آزاد واجد حقوق و صلاحیت‌هایی است که برای سایر دولت‌ها به این اندازه در نظر گرفته نشده است. کشتی مرمه در زمان حمله در آب‌های داخلی و دریای سرزمینی رژیم صهیونیستی مستقر نبوده است. بنابراین کشتی مرمه ذیل صلاحیت رژیم صهیونیستی به‌خاطر فعالیت در این مناطق قرار نمی‌گیرد. این وضعیت تابع الزامات کنوانسیون حقوق دریاهای است. هرچند که رژیم صهیونیستی به کنوانسیون حقوق دریاهای ملحق نشده است، لیکن مقررات کنوانسیون حقوق دریاهای

۱. ر.ک. ماده ۸۶ کنوانسیون حقوق دریاهای.

دریاها تدوین قواعد عرفی بین‌المللی است و تبعیت از آن منصرف از عضویت یا عدم عضویت است. محدودیت جغرافیایی ۱۲ مایل برای دریای سرزمینی از خط مبدا ساحلی منطبق با بایسته‌های حقوق بین‌الملل عرفی و برای تمام دولت‌ها اعم از ساحلی و غیرساحلی الزامی است. این رویکرد بدین معنا است که افزایش محدوده جغرافیایی دریای سرزمینی فراتر از ۱۲ مایل به هر دلیلی مجاز نیست. اگرچه ۱۲ مایل پس از دریای سرزمینی به عنوان منطقه نظارت قابل قبول است، لیکن قواعد حاکم بر منطقه نظارت از دریای سرزمینی متفاوت و محدودتر است. چراکه در منطقه نظارت فقط جلوگیری از نقض قوانین و مقررات گمرکی، مالی، بهداشتی یا مهاجرت دولت ساحلی موضوعیت دارد.<sup>۱</sup>

آب‌های پس از ۲۴ مایل تا پایان ۲۰۰ مایل از خط مبدا تحت عنوان منطقه انحصاری اقتصادی و تابع حقوق حاکمه در ارتباط با مدیریت، حفاظت و بهره‌برداری از منابع زنده و غیرزنده آن است.<sup>۲</sup> آزادی دریانوردی تمام کشتی‌ها در این منطقه به مثابه آزادی دریانوردی آنها در دریاهای آزاد است.<sup>۳</sup> تمام دولت‌ها حق دارند که کشتی‌های حامل پرچم آنها در دریاهای آزاد دریانوردی کنند.<sup>۴</sup> این آزادی برای تمام کشتی‌ها در منطقه انحصاری اقتصادی نیز امتداد دارد.<sup>۵</sup> از این حیث، کشتی مرمه در زمان حمله نیروی نظامی رژیم صهیونیستی در دریاهای آزاد نبوده است، لیکن حق آزادی دریانوردی برای آن تحت قواعد دریاهای آزاد بوده است. با در نظر گرفتن فاصله ۷۰ تا ۹۰ مایل دریایی از خط مبدا، کشتی در زمان حمله نیروی نظامی رژیم صهیونیستی در محدوده جغرافیایی منطقه انحصاری اقتصادی بوده است. کشتی مرمه واجد آزادی دریانوردی و مصون از هر اعمال صلاحیت دیگر به جز اعمال صلاحیت دولت صاحب پرچم بوده است. لذا آزادی دریانوردی کشتی مرمه مانع از حملات نیروی نظامی رژیم صهیونیستی بوده است، وقتی که آن کشتی در منطقه انحصاری اقتصادی شناور بوده است. حمله نیروی نظامی رژیم صهیونیستی که ذیل مفهوم اعمال صلاحیت نسبت

۱. ر.ک. ماده (a)(۱) ۳۳ کنوانسیون حقوق دریاها.

۲. ر.ک. ماده ۵۶ کنوانسیون حقوق دریاها.

۳. ر.ک. ماده ۸۷ کنوانسیون حقوق دریاها.

۴. ر.ک. ماده ۹۰ کنوانسیون حقوق دریاها.

۵. ر.ک. ماده ۸۶ کنوانسیون حقوق دریاها.



به کشتی خارجی است، در تعارض با صلاحیت انحصاری دولت صاحب پرچم به نحو مقرر در مواد ۸۷ و ۹۰ کنوانسیون حقوق دریاها است. این رفتار با ممنوعیت شدید مواجه است. هیچ موجودیتی نمی‌تواند بخشی از دریاهای آزاد را تحت حاکمیت خود قرار دهد<sup>۱</sup>. فقدان اعمال حاکمیت در دریاهای آزاد به معنای عدم صلاحیت آنها بر امور کشتی خارجی در دریاهای آزاد است. چنان‌که کشتی در دریاهای آزاد ذیل صلاحیت انحصاری دولت صاحب پرچم است. کشتی بخشی از قلمرو سرزمینی دولت صاحب پرچم است و غیر از صلاحیت دولت صاحب پرچم حق اعمال صلاحیت دیگر بر آن در دریاهای آزاد وجود ندارد.

یوروش نیروی نظامی رژیم صهیونیستی به کشتی مرمره در شرایط اشغال نوار غزه<sup>۲</sup> و محاصره دریایی آن صورت گرفته است. لذا حمله نیروی نظامی نه تنها استثنایی قانونی به صلاحیت دولت صاحب پرچم نیست، بلکه به معنای حمله غیرقانونی رژیم صهیونیستی به کشتی حامل پرچم دولت دیگر در دریاهای آزاد برای نیل به اهداف غیرقانونی است. حق رسیدگی به جنایات نیروی نظامی رژیم صهیونیستی برعهده دولت صاحب پرچم کشتی مرمره است. با وجود این، دولت کومور ترجیح می‌دهد که تحقیقات و رسیدگی به جرایم نیروی نظامی رژیم صهیونیستی را به دیوان کیفری واگذار کند، به این دلیل که اسرائیل را به‌عنوان یک دولت به رسمیت نمی‌شناسد (ICC, 2013a, 23). این تصمیم دولت کومور در چارچوب مقررات ماده ۱۴ اساسنامه است. ماده ۱۴ اساسنامه جلوه‌ای از خودارجاعی جرایم بین‌المللی در صلاحیت دیوان کیفری از سوی دولت عضو آن است. خودارجاعی دولت‌های عضو دیوان کیفری در وضعیت‌های کنگو، اوگاندا و آفریقای مرکزی مسبوق به‌سابقه است و در رویه قضایی آن مقبولیت و جریان دارد. لذا دادستان تقاضای دولت کومور بر تعقیب نیروی نظامی صهیونیستی را اعلام وصول می‌کند (ICC, 2013b, 1). دادستان پس از بررسی دلایل دولت کومور اذعان می‌کند که این حمله و محاصره دریایی نوار غزه بخشی از درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی فی‌مابین رژیم صهیونیستی و دولت فلسطین است (ICC's Prosecutor, 2014, 128). عمل محاصره خود به‌تنهایی ناقض بایسته‌های حقوق بین‌الملل در ارتباط

۱. ر.ک. ماده ۸۹ کنوانسیون حقوق دریاها.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک. احمدی‌نژاد، امین‌الرعا یا و متاجی، ۱۳۹۹، ۱۲۷۵.

با رژیم صهیونیستی به‌عنوان قدرت اشغالگر در نوار غزه است. لذا اثبات نامشروع بودن محاصره، به‌معنای نقض قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه صلاحیت انحصاری دولت صاحب پرچم بر امور کشتی حامل پرچم است.

حملات نیروی مسلح رژیم صهیونیستی و ورود قهری به کشتی مرمه بخشی از عنصر مادی هدف قرار دادن عمدی غیرنظامیان بدون ضرورت نظامی است که رسیدگی به آن در صلاحیت موضوعی دیوان کیفری است. اطلاعات ارائه شده از سوی دولت کومور حاکی از وجود مبنای منطقی مقرر در ماده (۱) ۵۳ اساسنامه بر وقوع جرایم جنگی در صلاحیت دیوان کیفری با ردیابی و استیلاء بر کشتی مرمه از سوی نیروهای مسلح رژیم صهیونیستی است. محاصره با هدف غیرقانونی به‌معنای محاصره غیرقانونی است. اگر محاصره وصف غیرقانونی داشته باشد، آن زمان حمله به کشتی در دریاها آزاد نیز عمل غیرقانونی است. در این حملات، کشتار عمدی موضوع ماده (a)(i) ۸(۲) اساسنامه، صدمه شدید به جسم و سلامتی موضوع ماده (a)(iii) ۸(۲) اساسنامه، هتک حرمت اشخاص با رفتارهای موهن و تحقیرآمیز موضوع ماده (b)(xxi) ۸(۲) اساسنامه صورت گرفته‌اند (ICC's Prosecutor, 2014, 19). حمله نیروی نظامی رژیم صهیونیستی برای اجرای محاصره نوار غزه با استدلال جلوگیری از پرتاب راکت از غزه بوده است. لیکن این موضع‌گیری با جلوگیری از دسترسی جمعیت غیرنظامی غزه به نیازهای اساسی روزمره بارگیری شده در کشتی مرمه توأم بوده است. کل جمعیت غیرنظامی غزه از این حمله متأثر نشده است (ICC's Prosecutor, 2014, 141-2)، هرچند که از رسیدن به موقع ناوگان حاوی کمک‌های بشردوستانه به غزه جلوگیری شده است. جلوگیری از دسترسی به مواد غذایی با محاصره دریایی تشدید و موجب رنج بیشتر مردم غزه شده است<sup>۱</sup>. اما در هر صورت محموله آنها بعدها با کشتی‌های دیگری به مردم غزه رسیده است و میان آنها توزیع شده است. بنابراین ردیابی ناوگان حامل کمک‌های بشردوستانه منجر به محرومیت موقت جمعیت غیرنظامی از دسترسی به کمک‌های بشردوستانه شده است. در عین حال که حمله به ناوگان دریایی غزه برای تجدید محاصره نوار غزه از سوی رژیم صهیونیستی بوده است. حال آن‌که شیوه حمله نیروی نظامی صهیونیستی با مزایای آن هم‌خوانی و تناسب نظامی هم نداشته است.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک. ممتاز، علیزاده و زرنشان، ۱۳۹۶، ۱۵۰.

حمله به کشتی مرمه ارتباطی با کاهش شلیک راکت از قلمرو سرزمینی غزه نداشته است. حمله نیروی نظامی به غیرنظامیان حاضر در کشتی مرمه منجر به کشته شدن ۱۰ نفر و زخمی شدن ۵۰ تا ۵۵ نفر شده است که قابل پیش‌بینی بوده است. اگر الزامات مرتبط با هدف و شیوه حمله رعایت می‌شد، چنین تلفاتی غیرضروری از غیرنظامیان حاصل نمی‌شد.

## ۲. رویکرد دادستان در ارزیابی وضعیت مجرمانه و اعتراض دولت

### صاحب پرچم به آن

تمام جرایم در صلاحیت موضوعی دیوان کیفری واجد اهمیت هستند و تعقیب آنها از سوی دادستان حسب مورد بر اساس هر یک از شقوق ماده ۱۳ اساسنامه ضرورت دارد. اما احراز صلاحیت دیوان کیفری منوط به الزامات قابلیت پذیرش آن در دیوان کیفری است. دادستان باید ارزیابی کند که وضعیت مجرمانه ارجاع شده به او ذیل مقررات ماده ۱۷ اساسنامه قابل پذیرش باشد.<sup>۱</sup> لذا خودداری محاکم ملی یا ناتوانی آنها از تعقیب و محاکمه عوامل جرم، باید احراز شود. نتیجه گزارش هیات بین‌المللی حقیقت‌یاب برای تحقیق در زمینه حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که رفتار نیروی نظامی در حمله به مسافران شناورها نه تنها نامتناسب، بلکه غیرضروری و منتهج به خشونت غیرقابل قبول بوده است. این میزان خشونت ارتكابی به هر دلیل و حتی برای حفظ امنیت یا دیگر مسائل مرتبط موجه نیست. این رفتار مبین نقض فاحش حقوق بشردوستانه و حقوق بشردوستانه بین‌المللی است (United Nations' Human Rights Council, 2010).<sup>۲</sup> اما نتایج حاصل از این گزارش برای احراز شدت جرم و قابلیت پذیرش آن در دیوان کیفری باید بر اساس مقررات ماده (۱) ۵۳ اساسنامه ارزیابی شوند. مفهوم شدت جرم در ارتباط مستقیم با مبنای منطقی است.<sup>۳</sup> سنجش شدت جرم در یک پرونده بر اساس ماهیت جرم، نظریه‌ای است که از آن به دکتین تعقیب موضوعی تعبیر می‌شود (ذاکر حسین، ۱۳۹۷، ۹۴). لذا شدت جرم با معیارهایی از جمله؛ میزان، ماهیت، نحوه ارتکاب و تاثیر آن جرایم در چارچوب مقررات ماده ۱۷ اساسنامه در نظر گرفته می‌شوند.

۱. ر.ک. ماده (d) ۱۷(۱) اساسنامه.

۲. ر.ک. ماده (a) ۵۳(۱) اساسنامه.

احراز صلاحیت دیوان کیفری، قابلیت پذیرش (صلاحیت تکمیلی یا شدت جرم) و منافع عدالت از عناصری هستند که ذیل مفهوم مبنای منطقی در یک وضعیت مجرمانه به نحو مقرر در ماده (۱) ۵۳ اساسنامه ذیل اختیارات دادستان قرار می‌گیرند. جایگاه ممتاز دادستان در ارتباط با وضعیت‌های مجرمانه ارجاع‌شده از سوی دولت عضو دیوان کیفری به وی بر اساس ماده (۱) ۵۳ اساسنامه است. دادستان بر این اساس تشخیص دولت عضو دیوان کیفری در ارتباط با وضعیت مجرمانه ارجاع‌شده را قبل از طرح در دیوان کیفری ارزیابی می‌کند. مقررات ماده (۱) ۵۳ اساسنامه مستند عملکرد و تشخیص دادستان قبل از تحقیقات کیفری است. اما مفهوم مخالف این صلاحیت بدین معنا است که دادستان صلاحیت دارد تا مبنای منطقی برای اقدامات بعدی را احراز نکند.<sup>۱</sup> دادستان بر اساس این موقعیت در مقابل دولت ارجاع‌دهنده وضعیت مجرمانه قرار می‌گیرد که مبنای منطقی برای اقدام بیشتر را احراز نکرده است تا سپس تحقیقات کیفری را شروع نماید و سایر مراحل لازم برای تعقیب آن جرم در دیوان کیفری را به پیش ببرد. لذا دادستان وضعیت مجرمانه ارجاع شده از سوی دولت عضو دیوان کیفری را با استدلال فقدان مبنای منطقی مختومه و بایگانی می‌کند. چنان‌که برخی اذعان دارند که انتخاب وضعیت‌های مجرمانه از سوی مقام قضایی از درون دیوان کیفری به مراتب بهتر از انتخاب و تحمیل وضعیت‌های مجرمانه از سوی یک نهاد سیاسی بیرون از دیوان کیفری است (Schabas, 2010, 541). چه‌بسا بر اساس همین تفکر است که ماده (۱) ۵۳ اساسنامه پیش‌بینی شده است تا دادستان در مقابل ارجاع وضعیت مجرمانه از سوی شورای امنیت یا دولت‌های عضو ایستادگی کند. هرچند که حق اعتراض شورای امنیت و دولت عضو به این رویکرد دادستان پیش‌بینی شده است، لیکن معلوم نیست که دیوان کیفری چگونه می‌تواند دادستان را مجبور به اتخاذ رویکردی متفاوت کند؟ اما این وضعیت به باور برخی دیگر با هدف دیوان کیفری در پیشگیری از ارتکاب جرایم بین‌المللی برای به مخاطره نیفتادن نظم، امنیت و صلح در جامعه

۱. این وضعیت به این شکل در سایر محاکم کیفری بین‌المللی مفقود بوده است. هرچند که در این محاکم به شدیدترین جرایم رسیدگی می‌شد، لیکن مفهوم آستانه شدت و مکانیسم قابلیت پذیرش به طور خاص در اساسنامه آنها تصریح نشده بود (صابر و صادقی، ۱۳۹۴، ۶۳۰). با وجود این دادستان در این محاکم به استناد اصل موقعیت داشتن تعقیب فقط به شدیدترین جرایم می‌پرداخت و از تعقیب برخی از جرایم به لحاظ نداشتن شدت لازم خودداری می‌کرد. از این حیث اساسنامه دیوان کیفری نسبت به اسلاف خود دارای چنین خلایبی نیست و از آنها یک قدم جلوتر و کامل‌تر است.

بین‌المللی منافع دارد (ساعدی و صادقی، ۱۳۹۹، ۸۶). مضافاً اینکه معیار شدت جرم از مفاهیم چالش‌برانگیز و فاقد ملاک عینی است (Schabas and El Zeidy, 2016, 782). نگرانی جامعه بین‌الملل از عدم احراز مبنای منطقی از سوی دادستان باعث شده است تا تئوری سوءاستفاده احتمالی دادستان از اختیارات قانونی همچنان مطرح باشد. لذا ضرورت جلوگیری از تشخیص اشتباه دادستان در این شرایط نیز یکی از زمینه‌های نظارت بر عملکرد دادستان و تشخیص او از سوی دیوان کیفری در اساسنامه است. از این جهت نیز باید سازوکاری وجود داشته باشد تا دادستان را بتوان به بازنگری در تشخیص و شروع تحقیقات کیفری در وضعیت مجرمانه ارجاع‌شده به او مجبور کرد. این شرایط در ارتباط با وضعیت ارجاع‌شده از سوی دولت کومور نیز موضوعیت دارد. دادستان از یک طرف معتقد است که مبنای منطقی بر این باور وجود دارد که جرایم جنگی در صلاحیت دیوان کیفری در ناوگان حامل کمک‌های بشردوستانه رخ داده است، اما از طرف دیگر نتیجه می‌گیرد که شدت کافی برای شروع تحقیقات کیفری وجود ندارد. لذا دادستان در تاریخ ۶ نوامبر ۲۰۱۴ رسماً اعلام می‌کند که اطلاعات موجود حاکی از آن است که جرایم ارتكابی در این وضعیت از شدت لازم برای توجیه اقدامات بیشتر برخوردار نیست (ICC's Prosecutor, 2014, 151). چراکه این حملات به اعتقاد او گسترده یا سازمان‌یافته نبوده‌اند (ICC's Prosecutor, 2014, 21). کشتی مرمه حدود ۵۰۰ مسافر داشته است. ۱۰ نفر از این افراد کشته شده‌اند و حدود ۵۰ تا ۵۵ نفر زخمی شده‌اند. تعداد مسافران هتک حرمت شده یا موضوع رفتارهای ضدانسانی و شکنجه‌آمیز قرار گرفته نیز مشخص نیست. بر این اساس تعداد قربانیان جرایم جنگی نیروی نظامی صهیونیستی نسبت به دیگر پرونده‌های مشابه پیش‌روی دیوان کیفری بسیار محدودتر است (ICC's Prosecutor, 2014, 138). لذا دادستان وضعیت ارجاع‌شده به او را علی‌رغم جنایات جنگی واقع شده بایگانی می‌کند و تحقیقات مقدماتی نسبت به آن را شروع نمی‌کند. این رویکرد دادستان ناشی از حاشیه صلاحیت اعطایی به او در اساسنامه است که در رویه قضایی چالش‌برانگیز است. رویه قضایی دیوان کیفری در سال‌های اخیر حاکی از اختلاف نظرهای زیاد در ارتباط با برداشت دادستان از این مفهوم است. به بیان دیگر دادستان بر اساس تشخیص خود به این نتیجه می‌رسد که شدت جرم یا منافع عدالت احراز می‌شوند و تحقیقات

کیفری را شروع می‌نماید یا اینکه احراز نمی‌شوند و تحقیقات مقدماتی و تشریفات پس از آن ادامه نمی‌یابد. این در حالی است که تعداد قربانیان برای ایجاد صلاحیت دیوان کیفری در وضعیت کشتی مرمه بی‌اثر است. مفهوم سازمان‌یافتگی جرم و طرح و برنامه از قبل تعیین شده برای حملات به قصد کشتار و ایراد صدمه به غیرنظامیان نیز یکی از معیارهای مرتبط با تعداد قربانیان است (ICC's Prosecutor, 2014, 140).

لذا وضعیت کشتی مرمه زمینه‌ای است تا دادستان و تشخیص او تحت کنترل و نظارت شعبه مقدماتی قرار گیرد. چراکه به اعتقاد برخی تشخیص دادستان قاطع نیست و مشمول نظارت است (آقای جنت‌مکان، ۱۳۸۹، ۲۴۵). در این شرایط دادستان ناگزیر است که شعبه مقدماتی و دولت ارجاع دهنده وضعیت مجرمانه<sup>۱</sup> را از تصمیم خود و دلایل آن مطلع سازد<sup>۲</sup>. این تصمیم که خوشایند دولت ارجاع دهنده وضعیت مجرمانه به عنوان متضرر از وقوع جرم نیست، قابل اعتراض است. لذا دولت ارجاع دهنده وضعیت مجرمانه می‌تواند به تصمیم دادستان بر خودداری از شروع تحقیقات رسمی به شعبه مقدماتی<sup>۳</sup> اعتراض نماید. بر این اساس دولت کومور به استناد ماده (۳) (a) ۵۳ اساسنامه از شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی تقاضا می‌کند تا تصمیم دادستان در زمینه عدم احراز مبنای منطقی در وضعیت ارجاع شده به او را بازنگری نماید (ICC, 2015a, 1). دولت کومور در اعتراض به تصمیم دادستان بر خودداری از شروع تحقیقات مقدماتی در وضعیت کشتی مرمه در شعبه مقدماتی به دو دلیل متکی است. دلیل اول اینکه دادستان به وقایع رخ داده خارج از کشتی دولت صاحب پرچم توجهی نکرده است. دلیل دوم اینکه دادستان از توجه صحیح به عوامل موثر در احراز شدت جرم به نحو مقرر در ماده (d) ۱۷(۱) اساسنامه قصور کرده است (ICC, 2015b, 11).

### ۳. رویکرد شعبه مقدماتی به اعتراض دولت کومور نسبت به عدم

#### احراز مبنای منطقی

شعبه مقدماتی در حالی که به دقت تشخیص دادستان را ارزیابی می‌کند، اما

۱. ر.ک. ماده ۱۴ اساسنامه.

۲. ر.ک. ماده ۵۳(۲) اساسنامه.

۳. ر.ک. ماده (۳) (a) ۵۳ اساسنامه.

از مداخله در آن پرهیز می‌کند. این رویکرد شعبه مقدماتی به اعتقاد برخی به معنای محدود بودن صلاحدید دادستان در دیوان کیفری است (Knoops, 2017, 384). شعبه مقدماتی در ارتباط با دلیل اول به این نتیجه می‌رسد که دادستان بر اساس قواعد حاکم بر تعیین صلاحیت دیوان کیفری مکلف به بررسی جرایم احتمالی رخ داده خارج از کشتی به دلیل عضویت دولت صاحب پرچم آن در دیوان کیفری نیست. اما در هر صورت بررسی آن وقایع به عنوان موضوعات فراصلاحیتی دیوان کیفری می‌تواند به دادستان در کشف جرایم و احراز شدت آنها برای به جریان افتادن در دیوان کیفری کمک زیادی کند. چنان‌که دادستان با بررسی صدماتی که به خدمه و مسافری کشتی وارد شده است و همین‌طور تاثیر جرایم نیروی نظامی صهیونیست بر جمعیت غزه چنین عمل کرده است (ICC, 2015a, 17-9). لذا این ایراد دولت کومور به عملکرد دادستان مردود است. اما در ارتباط با ایراد دوم دولت کومور باید تامل کرد. تفسیر مفهوم شدت جرم بر اساس ماده (d)(1) ۱۷ اساسنامه برای ارزیابی قابلیت پذیرش در چارچوب ماده (b)(1) ۵۳ اساسنامه در مرحله ارزیابی مقدماتی واجد اهمیت است. این در حالی است که مفهوم «شدت جرم» در اساسنامه یا قواعد آیین دادرسی و ادله تعریف نشده است. ارزیابی شدت جرم در مرحله پیش از شروع تحقیقات مقدماتی بسیار سخت است. چراکه هنوز متهمان احتمالی شناسایی نشده‌اند و عناصر واقعی جرم احراز نشده‌اند. مولفه‌های شدت جرم در وضعیت مجرمانه از شدت جرم در پرونده متمایز است. احراز شدت جرم در وضعیت مجرمانه منوط به احراز شدت جرم در پرونده است. ارزیابی شدت جرم در وضعیت مجرمانه بر اساس وقایع از همان روش ارزیابی شدت جرم در پرونده نسبت به افراد خاص تبعیت می‌کند. این در حالی است که دادستان در مرحله وضعیت نمی‌تواند تحقیقات را نسبت به افراد مشخص از نیروی نظامی صهیونیست به عنوان افراد دارای مسئولیت کیفری در حمله به کشتی مرمه انجام دهد، بلکه تحقیقات کلی او نسبت به وضعیت مجرمانه کفایت می‌کند. بر این اساس دادستان معتقد است که معلوم نیست آیا اشخاص یا گروهی از افراد که موضوع تحقیقات آتی قرار می‌گیرند، همان افرادی هستند که دارای بیشترین مسئولیت کیفری برای جرایم ادعایی هستند (ICC's Prosecutor, 2014, 135). لذا او با این اعتقاد که فرماندهان ارشد صهیونیست را نمی‌توان به عنوان مرتکب یا طراح حملات ارزیابی کرد

به مبنای منطقی برای شروع تحقیقات مقدماتی دست نمی‌یابد (Office of the Prosecutor, 2015a, 62). این استدلال دادستان که متوجه عوامل جرم است، به تعبیر دولت کومور ارزیابی معیارهای شدت جرم نیست (Union of the Comoros, 2015, 85). هرچند که برخی معتقدند که دادستان به اعتقاد شعبه مقدماتی معیارهای مناسبی را برای تشخیص شدت جرم در نظر گرفته است، لیکن آنها را به درستی به کار نبرده است (بابایی، توحیدی و قیوم‌زاده، ۱۳۹۹، ۶۱). چنان‌که قضات این رویکرد دادستان را با توانایی او برای مبنای منطقی در تحقیق و تعقیب افراد دارای مسئولیت در این وضعیت مجرمانه منطبق نمی‌دانند. قضات اذعان می‌کنند که موقعیت افراد دارای مسئولیت در ارتکاب این جرایم و تعلق آنها به مقامات ارشد یا پایین‌رتبه موضوعیت ندارد (ICC, 2015b, 23). دادستان اشتباه تصور کرده است که باید بررسی کند آیا موقعیت مرتکبان اصلی جرم جنگی حمله به غیرنظامیان (خدمه کشتی مرمه) از حیث نظامی یا سیاسی به اندازه کافی مهم است تا تحقیقات دیوان کیفری را توجیه کند؟ به بیان دیگر گویا دادستان نتیجه گرفته است که مقامات ارشد صهیونیست در حملات به غیرنظامیان نقشی نداشته‌اند. لذا تعقیب کیفری سربازان و افسران پایین‌رتبه نیز نباید در دیوان کیفری صورت گیرد. اما قضات این رویکرد را کافی تلقی نکرده‌اند، بلکه آنها توقع داشتند تا دادستان به جای بررسی موقعیت نظامی یا سیاسی مرتکبان جرم به این نتیجه برسد که آیا دلیلی برای تعقیب عوامل جرم دارای مسئولیت کیفری در دیوان کیفری وجود دارد یا خیر؟ چنان‌که برخی دیگر نیز با این نتیجه‌گیری دادستان مخالف هستند. آنها بر این باور هستند که مسئول‌ترین شخص در ارتکاب جرم، همان مرتکب آن جرم است، منصرف از اینکه سمت او چه باشد (deGuzman, 2015, 1). چراکه موقعیت مرتکبان جرم در دیوان کیفری از عناصر توجیه‌کننده شدت جرم نیست. در هر صورت مرتکب جرم در صلاحیت دیوان کیفری باید تحت تعقیب قرار گیرد، هرچند که او از مقامات عالی‌رتبه نباشد. چراکه بررسی ماهیت، گستردگی عمل مجرمانه و نتایج حاصل از آن برای احراز شدت جرم در دیوان کیفری کافی و از موضوعات اصلی است. لذا موقعیت مرتکب جرم در تشخیص مبنای منطقی جرم برای تعقیب در دیوان کیفری بی‌تاثیر است. اگر حتی سربازان صهیونیست فقط برای ارتکاب جرایم نسبت به غیرنظامیان در وضعیت کشتی مرمه مسئولیت کیفری داشته باشند، باز هم باید در



دیوان کیفری تحت تعقیب قرار گیرند تا بعدها ثابت شود که آنها دستور حمله به غیرنظامیان را از مقامات مافوق گرفته‌اند یا اینکه فراتر از دستورات مافوق عمل کرده‌اند. چنان‌که احراز این مساله دارای ابعاد قضایی است و مستلزم تحقیقات کیفری و رسیدگی‌های دقیق پس از آن است. لذا قبل از تکمیل تحقیقات مقدماتی و شنیدن دفاعیات متهم و انطباق آنها با شرایط حادث نمی‌توان راجع به آن تصمیم گرفت و آن را از اساس به کنار گذاشت. این در حالی است که دادستان چنین عمل کرده است. او در واقع با دلایل جزئی در دسترس به این نتیجه رسیده است که اتهام اصلی جرم جنگی متوجه مقامات ارشد نظامی و سیاسی نیست، لذا تعقیب سربازان و مقامات پایین رتبه را هم در دیوان کیفری در چارچوب معیارهای شدت جرم ندانسته است. این موضع‌گیری دادستان حاکی از ضرورت مهم بودن موقعیت مرتکب جرم برای تعقیب در دیوان کیفری است که رویکردی اشتباه است. هرچند که برخی معتقدند که توسل دادستان به سازوکار شدت جرم برای تمرکز بر تعقیب فرماندهان، مقام‌های عالی‌رتبه و وابسته به دولت‌ها، گروه‌های غیردولتی و یا سازمان‌های دارای بیشترین مسئولیت یا نقش در ارتکاب جرم است (بابایی، توحیدی و قیوم‌زاده، ۱۳۹۹، ب، ۴۷). اما این تئوری در ارتباط با تمام وضعیت‌های مجرمانه کاربرد ندارد. چراکه دو فرض در ارتباط با وضعیت مجرمانه موصوف محتمل است، اول اینکه به سربازان دستور داده شده است که به غیرنظامیان حمله کنند و دوم اینکه آنها خود راساً چنین اقدام کرده‌اند. احراز هر یک از این دو احتمال در شروع تحقیقات مقدماتی دادستان بی‌تاثیر است. چراکه در فرض اول فرماندهان دارای بیشترین مسئولیت کیفری و در فرض دوم سربازان دارای بیشترین مسئولیت کیفری به خاطر حملات به غیرنظامیان هستند. در هر صورت تعقیب عوامل جرم جنگی ضرورت دارد. لذا عملکرد دادستان از منظر شعبه مقدماتی ایراد دارد که چرا او در چارچوب واقعیات حادث تصمیم‌گیری نکرده است و فقط به قید و بندهای اساسنامه محدود مانده است. شعبه مقدماتی اطلاعات کافی در زمینه شلیک‌های نیروی نظامی رژیم صهیونیستی قبل از ورود به کشتی مرمه را در اثبات طرح و برنامه آن برای هدف قرار دادن غیرنظامیان موثر تلقی می‌کند (ICC, 2015b, 33-5). هرچند که دادستان به این اطلاعات اشراف پیدا کرده است، لیکن آن را با تردیدهای ایجاد شده نسبت به آن کنار گذاشته است. این در حالی است که دادستان

باید تحقیقات لازم را برای رفع ابهام از آن انجام دهد، نه اینکه آن را از اساس کنار بگذارد. این وضعیت از موضوعاتی است که نتیجه‌گیری دادستان را برای خودداری از تعقیب وضعیت ارجاع شده به وی مخدوش کرده است (ICC, 2015b, 45). این رویکرد دادستان با مساله تعدا قربانیان نیز مرتبط است. چراکه شعبه مقدماتی استدلال می‌کند که دادستان باید به این نتیجه می‌رسید که تعداد ۱۰ نفر کشته، ۵۰ تا ۵۵ نفر زخمی و احتمالاً صدها مورد رفتار ناقض کرامت انسانی و شکنجه و سوءرفتار از حیث مقیاس جرم (به‌عنوان یکی از شاخص‌های احراز شدت جرم) برای تعقیب در دیوان کیفری کافی است. از این حیث، دادستان مرتکب اشتباه مادی شده است (ICC, 2015b, 26). لذا شعبه مقدماتی با یک رای مخالف (ICC, 2015c, 1) از دادستان می‌خواهد تا تصمیم خود برای خودداری از شروع تحقیقات کیفری در وضعیت ارجاع شده از سوی دولت اتحاد کومور را بازنگری کند. هرچند که قاضی مخالف با نظر اکثریت همچنان اذعان می‌کند که حتی با در نظر گرفتن اینکه کشتی مرمه قصد شکستن محاصره دریایی را به عنوان نشانه‌ای از اعتراض سیاسی با آن داشته است، باز هم اقدامات نیروی نظامی رژیم صهیونیستی از چارچوب اصل ضرورت خارج بوده است (ICC, 2015c, 32).

مداخله شعبه مقدماتی در تشخیص دادستان بر عدم احراز شدت جرم مسبوق به سابقه است. شعبه مقدماتی سابق بر این در پرونده ناتاگاندا<sup>۱</sup> در وضعیت دولت جمهوری کنگو به دلیل عدم احراز شدت جرم از صدور حکم جلب وی خودداری کرد، لیکن این تصمیم در شعبه تجدیدنظر نقض شد. لذا این رویکرد شعبه مقدماتی به اعتقاد برخی ناشی از اتکاء آن به یک دهه رویه سابق شعب تجدیدنظر دیوان کیفری و در حمایت از معیارهای عینی دادستان برای تشخیص شدت جرم با حفظ عدم مداخله در امور وی می‌باشد (Schabas, 2016, 467). اما دادستان به جای تبعیت از دستور شعبه مقدماتی در مورخ ۲۷ جولای ۲۰۱۵ نسبت به این تصمیم در شعبه تجدیدنظر اعتراض می‌نماید (Office of the Prosecutor, 2015b, 1). او از شعبه تجدیدنظر تقاضای تعلیق دستور شعبه مقدماتی را تا پایان رسیدگی‌ها مطرح می‌نماید. شعبه تجدیدنظر تقاضای تعلیق دستور شعبه مقدماتی بر الزام دادستان به بازنگری در خودداری از تحقیقات در وضعیت ارجاع شده از سوی دولت کومور را می‌پذیرد (ICC, 2015d, 1)، لیکن تجدیدنظرخواهی دادستان را رد می‌کند.

1. Ntaganda.

دادستان بر اساس ماده (a)(۱)۸۲ اساسنامه معتقد است که هر تصمیم در ارتباط با صلاحیت یا قابلیت پذیرش قابلیت اعتراض و تجدیدنظرخواهی دارد. لیکن شعبه تجدیدنظر با این استدلال دادستان موافق نیست. رای مورد اعتراض دادستان بر اساس ماده (a)(۳)۵۳ اساسنامه صادر شده است. شعبه مقدماتی در این رای از دادستان خواسته است که در تصمیم خود برای خودداری از شروع تحقیقات در وضعیت ارجاع شده از سوی دولت کومور بازنگری کند. اما دادستان معتقد است که پرونده‌های احتمالی ناشی از تحقیقات کیفری در این وضعیت از شدت جرم به اندازه کافی برخوردار نیستند تا عملکرد بیشتر دیوان کیفری در آن توجیه شود. لذا چنین پرونده‌هایی در آینده با موانع مواد (d)(۱)۱۷ و (b)(۱)۵۳ اساسنامه مواجه می‌شوند (ICC's Pros-ecutor, 2014, 150). این تحلیل دادستان در شعبه مقدماتی بر اساس ماده (a)(۳)۵۳ اساسنامه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی از تصمیم شعبه مقدماتی برای دادستان در مواد ۵۳ و ۸۲ اساسنامه به صراحت پیش‌بینی نشده است. اما دادستان اعتراض خود را مشمول ماده (a)(۱)۸۲ اساسنامه می‌داند که به موجب آن هر یک از طرفین می‌توانند نسبت به تصمیم راجع به صلاحیت یا قابلیت پذیرش موضوع اعتراض کنند. اما شعبه تجدیدنظر چنین نظری ندارد. بر این اساس تجدیدنظرخواهی دادستان را شعبه تجدیدنظر با رای مخالف دو قاضی<sup>۱</sup> رد می‌کند (ICC, 2015e, 66). این رویکرد به معنای الزام دادستان به بازنگری در تصمیم گذشته است. اما این وضعیت در اراده دادستان بر خودداری از شروع تحقیقات مقدماتی در وضعیت کشتی مرمه خللی ایجاد نمی‌کند. لذا دادستان پس از این مرحله باز هم اعلام می‌کند که او همچنان بر عقیده سابق خود است و لذا تحقیقات کیفری در وضعیت ارجاع داده شده از سوی دولت کومور را شروع نمی‌کند (ICC, 2017, 2). این وضعیت به تعبیر برخی حاکی از ارتباط دادستان و دیوان کیفری است، در حالی که دیوان کیفری به موجب اساسنامه از دادستان مستقل است (Heller, 2015, 1). بر این اساس دولت کومور در تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۱۸ از شعبه مقدماتی تقاضا می‌کند تا تصمیم جدید دادستان بر خودداری از ارزیابی تصمیم سابق خود را با سرپیچی از رای شعبه مقدماتی و تأیید آن در شعبه تجدیدنظر را بررسی کند (ICC, 2018a, 132). موضع‌گیری شعبه مقدماتی این بار

1. Judge Silvia Fernández de Gurmendi and Judge Christine Van den Wyngaert.

نسبت به دو تصمیم شامل؛ یک تصمیم شعبه مقدماتی در سال ۲۰۱۵ بر الزام دادستان بر بازنگری در تصمیم سال ۲۰۱۴ خود بر خودداری از شروع تحقیقات در وضعیت کشتی مرمره و دیگری تصمیم سال ۲۰۱۷ دادستان بر خودداری از تبعیت از رای سال ۲۰۱۵ شعبه مقدماتی است. لذا شعبه مقدماتی دادستان را ملزم می‌نماید تا تصمیم مورخ ۶ نوامبر ۲۰۱۴ خود را بر اساس تصمیم شعبه مقدماتی در تاریخ ۱۶ جولای ۲۰۱۵ بازنگری نماید و نتیجه آن را تا قبل از تاریخ ۱۵ می ۲۰۱۹ اعلام نماید (ICC, 2018b, 1). دادستان به این رای جدید شعبه مقدماتی اعتراض می‌زند. این مرتبه سوم است که دادستان حاضر به شروع تحقیقات کیفری در وضعیت ارجاع شده از سوی دولت کومور نیست. دادستان معتقد است که مبنای منطقی برای رسیدن به این نتیجه وجود ندارد که پرونده‌های احتمالی ناشی از وضعیت کشتی مرمره برای قابلیت پذیرش در دیوان کیفری واجد استاندارد شدت کافی باشد. اما شعبه تجدیدنظر اعتراض او را رد می‌کند و او را ملزم می‌نماید تا نتیجه بازنگری در تصمیم خود را بر اساس رای ۱۶ جولای ۲۰۱۵ و این رای (به تاریخ ۲ سپتامبر ۲۰۱۹) اعلام کند (ICC, 2019, 1). اما دادستان برای بار چهارم نیز از شروع تحقیقات مقدماتی خودداری می‌کند و همچنان استدلال می‌کند که برای او مبنای منطقی محرز نیست. این وضعیت از منظر برخی حاکی از ناتوانی دادستان برای اقناع دولت کومور، شعبه مقدماتی و تجدیدنظر در ارتباط با تفسیر خود از معیار شدت کافی است (Bedir, 2020, 62). لذا نماینده حقوقی دولت کومور برای مرتبه سوم در تاریخ ۲ مارس ۲۰۲۰ از شعبه مقدماتی می‌خواهد تا تقاضای دولت کومور در ارتباط با عملکرد دادستان در وضعیت کشتی مرمره را بررسی نماید. دولت کومور معتقد است که دادستان در وضعیت ارجاع شده به او اصل بی‌طرفی را رعایت نمی‌کند (Union of the Comoros, 2020, 105-111). دولت کومور در این تقاضا از شعبه مقدماتی می‌خواهد تا مجازاتی را برای دادستان به خاطر سرپیچی از دستورات دیوان در نظر بگیرد. دولت کومور به شعبه مقدماتی پیشنهاد می‌دهد تا دادستان موقت مستقلی را تعیین کند (Union of the Comoros, 2020, 126-129).

## برآمد

این اولین بار است که دادستان از شروع تحقیقات مقدماتی در وضعیت ارجاع شده از سوی یک دولت عضو در دیوان کیفری به او خودداری می‌کند. این وضعیت نسبت به جنایات جنگی ارتكابی از سوی نیروی نظامی رژیم صهیونیستی علیه غیرنظامیان است که با محاصره غزه ارتباط دارد. از این حیث، رویکرد دادستان مورد اعتراض دولت ارجاع دهنده قرار می‌گیرد تا اینکه شعبه مقدماتی نسبت به عملکرد دادستان نظارت داشته باشد. یکی از چالش‌های پیش‌روی دولت کومور این است که دادستان از شروع تحقیقات در وضعیت مجرمانه‌ای که از سوی آن دولت ارجاع شده است، به دلیل فقدان احراز شدت جرم مقرر در ماده (b)(۱) ۵۳ اساسنامه خودداری کرده است. هرچند که دولت کومور حق دارد تا بر اساس ماده (a)(۳) ۵۳ اساسنامه از شعبه مقدماتی ارزیابی چنین تصمیم دادستان را بخواهد، اما شعبه مقدماتی در مقامی نیست تا به دادستان دستور دهد که تحقیقات مقدماتی را در وضعیت ارجاع شده از سوی دولت کومور شروع کند. بلکه شعبه مقدماتی تنها می‌تواند از دادستان بخواهد که در تصمیم خود بازنگری کند. اما این الزام دادستان فاقد ضمانت اجراء است و دادستان می‌تواند همچنان از بازنگری نیز خودداری کند یا نتیجه متفاوتی را از بازنگری به دست بیاورد. چنان که دادستان پس از این ارزیابی مجدداً نتیجه می‌گیرد که این وضعیت بر اساس مواد (d)(۱) ۱۷ و (b)(۱) ۵۳ اساسنامه همچنان غیرقابل پذیرش است. مخالفت شعبه مقدماتی با تشخیص دادستان برای خودداری او از شروع تحقیقات کیفری به اتکای عدم احراز مبنای منطقی در پرونده کشتی مرمه یکی از مهم‌ترین کارکردهای ماده (a)(۳) ۵۳ اساسنامه است. اما این وضعیت قبل از اینکه ناشی از فقدان قدرت لازم برای شعبه مقدماتی در نظارت بر تشخیص دادستان باشد، ناشی از مفهوم نامعین شدت جرم است. دادستان برای خودداری از شروع تحقیقات کیفری در وضعیت ارجاع شده از سوی دولت کومور به مفهومی از شدت جرم استناد می‌کند که شعبه مقدماتی با آن موافق نیست، لیکن شعبه مقدماتی همچنان ناگزیر است که استقلال دادستان از دیوان کیفری را رعایت کند.

انتخاب این مبنا برای دادستان و خودداری از شروع تحقیقات به دلیل تفاوت آن با مبنای «منافع عدالت» واجد اهمیت است. اگر مبنای خودداری دادستان به‌خاطر

فقدان «منافع عدالت» بر اساس ماده (c)(۱) ۵۳ اساسنامه می‌بود، وضعیت از اساس متفاوت بود. چراکه در چنین شرایطی شعبه مقدماتی حق داشت تا تصمیم دادستان را بر اساس ماده (

۳) ۵۳ اساسنامه تایید نکند. عدم تایید تصمیم دادستان از سوی شعبه مقدماتی در حالت اخیر به معنای الزام دادستان به شروع تحقیقات مقدماتی می‌بود. چنین نتیجه‌ای در شرایط خودداری دادستان از تحقیقات مقدماتی با اتکای به فقدان احراز شدت جرم وجود ندارد. اما چنین شرایطی برای عدم احراز مبنای منطقی وجود ندارد. این یکی از خلاءهای اساسنامه است، در حالی که هر دو مفهوم از الزامات تعقیب جرایم بین‌المللی منطبق با اهداف و فلسفه ایجاد دیوان کیفری است. اما تا آن زمان شعبه مقدماتی همچنان در قید و بند اساسنامه است. هرچند که شعبه مقدماتی می‌تواند این مساله را در رویه قضایی مرتفع کند، لیکن در این مقطع زمانی خواهان آن نیست. لذا شعبه مقدماتی از دادستان نمی‌خواهد که به تحقیقات مقدماتی در وضعیت کشتی مرمه بپردازد، بلکه از او می‌خواهد تا در تصمیم خود بر خودداری از شروع تحقیقات مقدماتی بازنگری کند. در حالی که شعبه مقدماتی نتیجه می‌گیرد که معیار شدت جرم وجود دارد، اما درصدد است تا دادستان را به چنین نتیجه‌ای برساند، نه اینکه او را به چنین نتیجه‌ای مجبور سازد. لذا از یک طرف، تحمیل نظر قضات شعبه مقدماتی در ارتباط با احراز شدت جرم، به معنای شروع تحقیقات مقدماتی در وضعیت کشتی مرمه است، اما شعبه مقدماتی برای حفظ صلاحیت تشخیص دادستان از چنین رویکردی به وضوح خودداری می‌کند. از طرف دیگر، دادستان قبل از این که وضعیت دولت فلسطین را بر اساس ماده (۳) ۱۲ اساسنامه احراز کند، نیز می‌تواند تحقیقات کیفری را شروع کند و آن را حتی بر فرض عدم تلقی به عنوان یک دولت ادامه دهد. چنان که این وضعیت منصرف از احتمال تعقیب عوامل جرم از طریق سازوکارهای دیگر است. اما دادستان نیز چنین عمل نمی‌کند. این رویکرد دادستان حاکی از شائبه گزینش‌گری او در وضعیت‌های مجرمانه‌ای است که به شدت قربانیان آن نیازمند توجه دیوان کیفری برای تحقق عدالت کیفری بین‌المللی هستند. اما دادستان همچنان به آن بی‌توجه است.

## منابع

## الف) فارسی

۱. احمدی نژاد، مریم؛ امین‌الرعا، یاسر و متاجی، محسن (۱۳۹۹)، «*تحول مفهومی اشغال از منظر حقوق بین‌الملل با تاکید بر وضعیت اراضی غزه*»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، ش ۳، صص ۱۲۸۵-۱۲۶۳.
۲. بابایی، علی حسن؛ توحیدی، احمدرضا و قیوم‌زاده، محمود (۱۳۹۹)، «*ارزیابی قاعده شدت کافی در روبه دیوان کیفری بین‌المللی*»، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره ۱۲، ش ۱، صص ۶۹-۳۷.
۳. ذاکر حسین، محمدهادی (۱۳۹۹)، «*مفهوم و کارکرد قضیه در دیوان کیفری بین‌المللی*»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۸، ش ۱۶، صص ۱۹۱-۱۶۳.
۴. رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۵)، «*از شناسایی دولت فلسطین تا عضویت در دیوان کیفری بین‌المللی*»، فصلنامه دولت‌پژوهی، سال ۲، ش ۷، صص ۳۹-۱.
۵. صابر، محمود و صادقی، آزاده (۱۳۹۴)، «*بررسی معیار آستانه شدت برای تعقیب جنایات در دیوان کیفری بین‌المللی؛ با نگاهی بر دیگر دادگاه‌های بین‌المللی*»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، ش ۲، صص ۶۵۰-۶۲۷.
۶. صالحی، جواد (۱۳۹۷)، «*عمال صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌المللی کیفری در خشونت‌های داخلی در بستر بی‌ارادگی دولت کنیا*»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، ش ۳، صص ۶۷۶-۶۶۱.
۷. ممتاز، جمشید؛ علیزاده، مسعود و زرنشان، شهرام (۱۳۹۶)، «*محاصره دریایی غزه از منظر حقوق بین‌الملل*»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۰، ش ۲ (پیاپی ۷۶)، صص ۱۵۳-۱۳۷.

## ب) انگلیسی

1. Bedir, Omer (2020), *The Flotilla Incident from the Perspective of International Law and the Judicial Rights of the Victims*, The Age of Human Rights Journal, No. 15, pp. 51-72.

2. deGuzman, M. Margaret (2015), *What is the Gravity Threshold for an ICC Investigation? Lessons from the Pre-Trial Chamber Decision in the Comoros Situation, American Society of International Law (ASIL Insights Home)*, 11 August 2015, Vol. 19(19), <https://www.asil.org/insights/volume/19/issue/19/what-gravity-threshold-icc-investigation-lessons-pre-trial-chamber>.
3. Heller, Jon Kevin, ‘*The Pre-Trial Chamber’s Dangerous Comoros Review Decision*’, *Opinio Juris*, 17 July 2015, Available at; [www.opiniojuris.org/2015/07/17/the-pre-trial-chambers-problematic-comoros-review-decision/](http://www.opiniojuris.org/2015/07/17/the-pre-trial-chambers-problematic-comoros-review-decision/).
4. International Criminal Court (2013a), *Referral under Articles 14 and 12(2)(a) of the Rome Statute Arising from the 31 May 2010, Gaza Freedom Flotilla Situation*, 14 May 2013, Available at; <http://www.iccpi.int/iccdocs/otp/Referral-from-Comoros.pdf>.
5. International Criminal Court (2013b), *ICC Prosecutor Receives Referral by the Authorities of the Union of the Comoros in Relation to the Events of May 2010 on the Vessel Mavi Marmara, 14 May 2013*, Available at; <https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=otp-statement-14-05-2013&ln=en>.
6. International Criminal Court’s Prosecutor (2014), *Situation on Registered Vessels of Comoros, Greece and Cambodia*, Article 53(1) Report, 6 November 2014, Available at; [https://www.icc-cpi.int/iccdocs/otp/otp-com-article\\_53\(1\)-report-06nov2014eng.pdf](https://www.icc-cpi.int/iccdocs/otp/otp-com-article_53(1)-report-06nov2014eng.pdf).
7. International Criminal Court (2015a), *Situation on Registered Vessels of the Union of the Comoros, The Hellenic Republic of Greece and the Kingdom of Cambodia*, ‘*Application for Review Pursuant to Article 53(3)(a) of the Prosecutor’s Decision of 6 November 2014 not to Initiate an Investigation in the Situation*’, Case No. ICC-01/13-3-Red, 29 January 2015.



8. International Criminal Court (2015b), ‘*Decision on the Request of the Union of the Comoros to Review the Prosecutor’s Decision not to Initiate an Investigation*’, Case No. ICC-01/13-34, 16 July 2015.
9. International Criminal Court (2015c), “*Partly Dissenting Opinion of Judge Péter Kovács*”: Corrigendum of Annex to the ‘Decision on the Request of the Union of the Comoros to Review the Prosecutor’s Decision not to Initiate an Investigation’, 16 July 2015, Case No. ICC-01/13-34-Anx-Corr.
10. International Criminal Court (2015d), “*Decision on Suspensive Effect*”, Case No. ICC-01/13-43 (OA), 6 August 2015.
11. International Criminal Court (2015e), Decision on the Admissibility of the Prosecutor’s Appeal Against the “*Decision on the Request of the Union of the Comoros to Review the Prosecutor’s Decision not to Initiate an Investigation*”, Case No. ICC-01/13-51, 6 November 2015.
12. International Criminal Court (2017), Final Decision of the Prosecution Concerning the “*Article 53(1) Report*”, Case No. ICC-01/13-57-Anx1, 29 November 2017.
13. International Criminal Court (2018a), *Application for Judicial Review by the Government of the Union of the Comoros*, Case No. ICC-01/13-58-Red., 23 February 2018.
14. International Criminal Court (2018b), Decision on the “*Application for Judicial Review by the Government of the Union of the Comoros*”, Case No. ICC-01/13-68, 15 November 2018.
15. International Criminal Court (2019), Judgment on the Appeal of the Prosecutor against Pre-Trial Chamber I’s ‘Decision on the “*Application for Judicial Review by the Government of the Union of the Comoros*’’, Case No. ICC-01/13-98, 02 September 2019.
16. Kessler, Glen (2010), Turkish Foreign Minister: Israeli Raid on Gaza Aid Flotilla ‘Like 9/11’ for His Country, WASH. POST, 1 June 2010, Available at; <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2010/06/01/AR2010060101506.html>.

17. Knoops, Alexander Geert-Jan (2017), ***Introductory Note: The International Criminal Court in 2015, in; Giuliana Ziccardi Capaldo (ed)***, The Global Community Yearbook of International Law and Jurisprudence 2016, Oxford University Press, pp. 379-384.
18. McLaughlin, Rob and Dale Stephens (2014), ***International Humanitarian Law in the Maritime Context: Conflict Characterization in Judicial and Quasi-Judicial Contexts***, in; Derek Jinks, Solon Solomon and Jackson N. Maogoto (eds), Applying International Humanitarian Law in Judicial and Quasi-Judicial Bodies; International and Domestic Aspects, T.M.C. ASSER PRESS, The Hague, The Netherlands, pp. 103-132.
19. Office of the Prosecutor (2015a), ‘***Situation on Registered Vessels of the Union of the Comoros, The Hellenic Republic of Greece and the Kingdom of Cambodia, Prosecution’s Response to the Government of the Union of the Comoros***’ Application for Leave to Reply in Support of its Application under article 53(3) of the Rome Statute’, Case No. ICC-01/13-15, 17 April 2015.
20. Office of the Prosecutor (2015b), ‘Situation on Registered Vessels of the Union of the Comoros, The Hellenic Republic of Greece and the Kingdom of Cambodia, Notice of Appeal of “Decision on the Request of the Union of the Comoros to Review the Prosecutor’s Decision not to Initiate an Investigation”’, ICC-01/13-35, 27 July 2015.
21. Schabas, A. William (2010), ‘***Victor’s Justice: Selecting ‘Situations’ at the International Criminal Court***’, Journal of Marshall Law Review, Vol. 43(3), pp. 535-552.
22. Schabas, A. William (2016), ***The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute***, 2nd edn, Oxford University Press.
23. Schabas, A. William and Mohamed M. El Zeidy (2016), ‘Article 17 – Issues of Admissibility’, in; Otto Triffterer, Kai Ambos (eds), Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court, 3rd edn, CH Beck-Hart-Nomos, pp. 782-832.

24. Union of the Comoros (2015), ‘Situation on Registered Vessels of the Union of the Comoros, The Hellenic Republic of Greece and the Kingdom of Cambodia, Application for Review pursuant to Article 53(3)(a) of the Prosecutor’s Decision of 6 November 2014 not to Initiate an Investigation into the Situation’, Case No. ICC-01/13-3-Red, 29 January 2015.
25. Union of the Comoros (2020), ‘*Situation on Registered Vessels of the Union of the Comoros, The Hellenic Republic of Greece and the Kingdom of Cambodia, Application for Judicial Review by the Government of the Comoros*’, Case No. ICC-01/13-100, 2 March 2020.
26. United Nations’ Human Rights Council (2010), *Report of the International Fact-Finding Mission to Investigate Violations of International Law*, Including International Humanitarian and Human Rights Law, Resulting from the Israeli Attacks on the Flotilla of Ships Carrying Humanitarian Assistance, U.N. Doc. A/HRC/15/21, 27 Sep. 2010, para. 264, Available at; [http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/docs/15session/A.HRC.15.21\\_en.PDF](http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/docs/15session/A.HRC.15.21_en.PDF)
27. United Nations Security Council (2010), *Security Council Condemns Acts Resulting in Civilian Deaths During Israeli Operation Against Gaza-Bound Aid Convoy*, Calls for Investigation, U.N. Press Release SC/9940, 31 May 2010, Available at; <http://www.un.org/News/Press/docs/2010/sc9940.doc.htm>.